

## آیا مغان طالع بین بودند

مریم دانشور

یکی از افتخارات ما ایرانیان این است که مغان ظاهراً از ایران نزد عیسای نوزاد آمدند و هدایای خود را به او تقدیم کردند. البته باید قبول کنیم که مکانی دقیق که این افراد سفر خود را از آنجا شروع کردند به درستی مشخص نیست. با این حال گرچه متی از مکان مشخصی اسم نمی برد اما به احتمال زیاد منظور او ایران قدیم و یا بابل است.

اما آنچه ذهن افراد و علی‌الخصوص مسیحیان را به خود مشغول داشته، معنای کلمه مجوسی یا همان مَغ است. بعضی از ترجمه‌های انگلیسی کتاب مقدس لغت **Magi** (مجوسیان، مغان) را **Astrologer** به معنی طالع بین ترجمه کرده‌اند.

کلمه مَغ در لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین به معنای موبد و پیشوای دینی زرتشتی آمده است. لغت مجوسی نیز از زبان آرامی وارد زبان عربی شده است. این کلمه در عربی به معنی زرتشتی است. در شاهنامه و دیگر کتب شاعران بزرگ ایرانی اغلب به کلمه موبد یا مَغ بر می‌خوریم. از آن جمله می‌توانیم به یکی از اشعار حافظ اشاره کنیم که:

در خرابات مغان، نور خدا می‌بینم

ای عجب، بین که چه نوری ز کجا می‌بینم

خرقه زهد مرا آب خرابات ببرد

خانه عقل مرا، آتش خمخانه بسوخت

ایرانیان مغان را از فرزندگان و دانشمندان به‌شمار می‌آوردند و کسی که می‌خواست به مقام پادشاهی ایران برسد نخست می‌بایست تعالیم مغان را فرا می‌گرفت. همچنین در دوران باستان واژه مغ نزد یونانیان و رومیان واژه‌ای شناخته شده بود. مغان که از طبقه کاهنان ماد و ایرانی بودند توانایی بالایی در تعبیر خواب و رؤیا داشتند. در دوران یونان باستان مغان با آموختن جادوگری و غیب‌گویی و طالع‌بینی، حرفه خود را بسط دادند.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مغان به تمام علوم علاقه داشتند و در واقع مردان حکیم آن دوران بودند. آن‌ها در اینکه از طریق علم و شعر و هنر و مذهب، دنیا و آنچه در آن به‌وقوع می‌پیوندد را توضیح دهند اشکالی نمی‌دیدند.

بنابراین بر اساس آنچه در بالا گفته شد، و نیز طبق این نظریه که طالع‌بینی تا قبل از تولد عیسی مسیح در بیت‌لحم دارای اعتبار بوده است (نظری که الهیدان بزرگ، ترتولیان (۱۶۰-۲۲۰) نیز از آن جانب‌داری می‌کرده است) نمی‌توان کتمان کرد که مغان طالع‌بین نیز بوده‌اند.

اما در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا مغان تنها از طریق ستاره‌شناسی و طالع‌بینی توانستند به آمدن مسیح‌های موعود پی ببرند و یا اینکه با علم بر اینکه «ستاره‌ای از یعقوب طلوع خواهد کرد و عصایی از اسرائیل خواهد برخاست... و کسی که از یعقوب ظاهر می‌شود سلطنت خواهد نمود» (اعداد ۱۷:۲۴)، منتظر آمدن «پادشاهی از یهود» بودند که طبق مکاشفه دانیال «سلطنت او سلطنتی جاودانی است و جمیع ممالک او را عبادت و اطاعت خواهند نمود» (دانیال ۷:۲۷)؟

همانطور که می‌دانیم دانیال که فردی یهودی بود، شش قرن قبل از میلاد مسیح تأثیر به‌سزایی در اعتقادات پادشاهان ایران به‌جای نهاد و بسیاری از مردم، به‌خاطر ایمان دانیال به خدای او و کتاب مقدس یهودیان ایمان آوردند. به‌عنوان مثال در کتاب دانیال می‌خوانیم: «داریوش پادشاه به جمیع قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌هایی که در تمامی جهان ساکن بودند نوشت که ... از حضور من فرمانی صادر شده است که در هر سلطنتی از ممالک من، مردمان به‌حضور خدای دانیال لرزان و ترسان باشند زیرا که او خدای حی و تا ابدالابد قیوم است و ملکوت او بی‌زوال و سلطنت او غیرمتناهی است. او است که نجات می‌دهد و می‌رهاند و آیات و عجایب را در آسمان و در زمین ظاهر می‌سازد» (دانیال ۶:۲۶-۲۸).

بنابراین مغان نیز که غیریهودی بودند و از شرق، و به احتمال زیاد از سرزمین داریوش می‌آمدند، طبعاً با کتب یهودیان و نبوت‌هایی که در قرون گذشته در مورد آمدن مسیح‌های موعود شده بود آشنایی داشتند. به همین جهت، به هنگام تولد عیسی ستاره‌ او را شناختند و دانستند که این نبوت‌ها به انجام رسیده است.

یروم، الهیدان مسیحی می‌گوید: «مغان غیریهودیان عادل‌ی بودند که به نبوت بلعام در اعداد لیبیک گفته، در پی یافتن ستاره‌ یعقوب به‌راه افتادند». همچنین در کتاب "تفسیر اشعیا" (Commentary on Isaiah) اضافه می‌کند که مغان ستاره را یا براساس علم ستاره‌شناسی و یا طبق نبوت بلعام در اعداد ۱۷:۲۴ دنبال کردند. اما در هر حال آنچه که یروم را به تمجید از مغان وا می‌دارد، مقایسه آن‌ها با یهودیانی است که ظهور مسیح‌های موعود را باور نکردند.

آنچه که امروز ما می‌توانیم از این مغان بیاموزیم این است که این جویندگان حقیقت، برای دریافت مکاشفه‌ای از خدا دارای حساسیت خاصی بودند. آنان مصمم به یافتن حقیقت بودند و نسبت به علامتی که از خدا دریافت کرده بودند غیرت خاصی داشتند، بدانجا که حاضر شدند مشقت سفری

طولانی و پر مخاطره را به جان دل بخرند تا بتوانند کودکی را که یقین داشتند همان منجی عالم است حرمت نهند. در واقع مُغان را پیشاپیش می‌توان سمبولی دانست از غیر یهودیانی که با گذشت زمان نزد عیسی آمدند و او را به‌عنوان خداوند خود پذیرفتند.

داستان مُغان (یا مجوسیان) خود گواهی است دیگر بر این واقعیت که عیسی همان مسیحای موعود است - پادشاهی که نه فقط برای یهودیان، بلکه برای کل جهان آمده بود (اشعیا ۵:۶۰ و ۶). آغوش او به روی همه انسان‌ها، حتی آن‌هایی که از طرق نادرست در پی کشف وقایع آینده هستند، باز است و همه ما را به پیروی از خود دعوت می‌کند. تنها باید حاضر باشیم برای این سفر پرمخاطره ایمان، بها بپردازیم.

آری، خداوند آنانی را که طالب حقیقت هستند می‌شناسد و قطعاً راهی مهیا خواهد کرد تا آن‌ها نیز حقیقت را بشناسند، ولو آنکه این راه، مشاهده ستاره‌ای در میان میلیون‌ها ستاره دیگر باشد.

### **منابع استفاده شده:**

- The Magi and the Star in the Gospel of Matthew and early Christian Tradition By Tim Hegedus
- The Top 100 Questions by Richard Bewes
- Who were the Magi? By Chuck Missler
- Were the magi astrologer? By Rev. Phil Greetham